

An Analysis of Identity Patterns in Urban Space Design Based on Islamic Art Principles

1. Mehdi Hosseini Tabatabaei: Department of Islamic and Traditional Architecture, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

2. Zahra Mousavi Fard*: Department of Islamic and Traditional Architecture, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email Address: z.mousavif@sbu.ac.ir

How to Cite: Hosseini Tabatabaei, M., & Mousavi Fard, Z. (2024). An Analysis of Identity Patterns in Urban Space Design Based on Islamic Art Principles. *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 2(2), 41-56.

Abstract:

This study examines the role of Islamic art principles in enhancing cultural identity and place attachment in urban space design. The use of key elements of Islamic art, such as structured geometry, specific colors, repetitive patterns, and cultural symbols in architecture and urban design, not only beautifies spaces but also fosters a spiritual and emotional bond between citizens and their surroundings, strengthening their sense of place attachment. Findings reveal that using geometry and symmetry in the design of mosques and public squares promotes a sense of order and harmony among individuals, providing spaces for social and cultural interactions. Additionally, the use of calming colors like blue and green, commonly found in Islamic art, enhances the sense of attachment and spiritual connection. Analysis of symbols and repetitive patterns shows that these elements contribute to cultural identity reinforcement by creating a sense of continuity and stability in public spaces, fostering a deeper bond with local values. This research proposes design strategies based on Islamic art principles to create meaningful and identity-driven urban spaces that align not only with physical needs but also with the cultural and spiritual requirements of individuals. This approach offers an effective solution to address globalization challenges and preserve cultural and social values in Islamic cities.

Keywords: Islamic art, cultural identity, place attachment, urban design, Islamic geometry, Islamic colors, repetitive patterns, cultural symbols

Received: 28 April 2024

Revised: 27 May 2024

Accepted: 16 June 2024

Published: 5 July 2024



تحلیل الگوهای هویتی در طراحی فضاهای شهری مبتنی بر اصول هنر اسلامی

۱. مهدی حسینی طباطبایی: دانشکده معماری اسلامی و سنتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. زهرا موسوی فرد*: دانشکده معماری اسلامی و سنتی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: z.mousavif@sbu.ac.ir

نحوه استناددهی: حسینی طباطبایی، مهدی، و موسوی فرد، زهرا. (۱۴۰۳). تحلیل الگوهای هویتی در طراحی فضاهای شهری مبتنی بر اصول هنر اسلامی. تجلی هنر در معماری و

شهرسازی، ۲(۲)، ۴۱-۵۶.

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش اصول هنر اسلامی در تقویت هویت فرهنگی و تعلق مکانی در طراحی فضاهای شهری می‌پردازد. استفاده از عناصر کلیدی هنر اسلامی مانند هندسه منظم، رنگ‌های خاص، الگوهای تکراری و نمادهای فرهنگی در معماری و طراحی شهری، علاوه بر زیباسازی فضاها، به ایجاد پیوند معنوی و عاطفی میان شهروندان و محیط کمک کرده و حس تعلق به مکان را در آن‌ها تقویت می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از هندسه و تقارن در طراحی مساجد و میدان‌های عمومی به تقویت حس نظم و هماهنگی میان افراد منجر می‌شود و فضایی برای تعاملات اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌آورد. همچنین، استفاده از رنگ‌های آرامش‌بخش مانند آبی و سبز که در هنر اسلامی متداول هستند، موجب افزایش حس تعلق و ارتباط معنوی در میان افراد می‌شود. بررسی نمادها و الگوهای تکراری نیز نشان می‌دهد که این عناصر با ایجاد حس تداوم و ثبات در فضاهای عمومی، به تقویت هویت فرهنگی و ایجاد پیوند عمیق‌تر با ارزش‌های بومی کمک می‌کنند. این پژوهش بر آن است که با ارائه راهکارهایی بر مبنای اصول هنر اسلامی، بتوان در طراحی فضاهای شهری معاصر به ایجاد فضایی معنادار و هویت‌بخش پرداخت که نه تنها با نیازهای فیزیکی بلکه با نیازهای فرهنگی و معنوی افراد نیز هماهنگی داشته باشد. این رویکرد می‌تواند به عنوان راهکاری موثر برای مقابله با چالش‌های جهانی‌سازی و حفظ ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در شهرهای اسلامی به کار رود.

کلیدواژه‌گان: هنر اسلامی، هویت فرهنگی، تعلق مکانی، طراحی شهری، هندسه اسلامی، رنگ‌های اسلامی، الگوهای تکراری، نمادهای فرهنگی.

تاریخ دریافت: ۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۷ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۷ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۵ تیر ۱۴۰۳



طراحی فضاهای شهری به عنوان عنصری کلیدی در توسعه و انسجام فرهنگی هر جامعه، نقشی فراتر از یک چیدمان کالبدی و عملکردی دارد. این طراحی‌ها با استفاده از عناصر هنری و فرهنگی قادرند در شکل‌گیری هویت و تقویت احساس تعلق در شهروندان مؤثر باشند. در این میان، هنر اسلامی با برخورداری از مفاهیمی عمیق و ریشه‌دار در فرهنگ و تمدن اسلامی، توانسته است در معماری و طراحی شهری منطقه‌های اسلامی جایگاه ویژه‌ای کسب کند. این هنر با اصول و الگوهای خاص خود، همچون ترکیب پیچیده هندسه، تقارن، نورپردازی و نقش‌مایه‌های انتزاعی، نه تنها به جنبه‌های زیبایی‌شناختی فضاها می‌افزاید بلکه در تقویت هویت فرهنگی نیز سهم به‌سزایی دارد. به‌طور خاص، در شهرهای اسلامی، فضاهای عمومی با هدف بازتاب هویت اسلامی طراحی شده‌اند که این امر بر شکل‌گیری و حفظ هویت‌های اجتماعی و فرهنگی مردم تأثیرگذار است (Donboli et al., 2017). از این رو، تحلیل اصول و مفاهیم هنر اسلامی و تأثیرات آن بر هویت و معماری شهری، می‌تواند بستری مناسب برای دستیابی به راهکارهای نوین در بهبود طراحی فضاهای شهری فراهم کند.

در تعریف هنر اسلامی، می‌توان به مجموعه‌ای از اصول اشاره کرد که هدف آن‌ها نه تنها زیباسازی فضاها بلکه ایجاد ارتباط عمیق معنوی با کاربران این فضاها است. این اصول شامل استفاده از هندسه منظم، تکرار الگوها، تقارن و تأکید بر ارزش‌های معنوی هستند که به‌صورت مشترک در طراحی فضاهای شهری نیز مشاهده می‌شوند. مثلاً، استفاده از نقوش هندسی و تکرار در الگوها در معماری اسلامی به‌نوعی نماد مفهوم وحدت در کثرت بوده و حس تعلق به یک جامعه یکپارچه و متصل را القا می‌کند. این عناصر تزئینی به‌ویژه در ساخت مساجد، میدان‌ها و باغ‌های ایرانی به‌کار رفته‌اند که به فضاهای شهری هویت خاصی بخشیده و تأثیرات مثبتی بر تعلق فرهنگی و اجتماعی شهروندان دارند (Baslouh, 2020). این مفهوم از هنر اسلامی در ترکیب با فرهنگ و سنت‌های بومی هر منطقه، پایه‌ای برای طراحی فضاهایی فراهم می‌آورد که همگان را به بازشناسی و تقویت هویت فرهنگی خود تشویق می‌کند.

بخش عمده‌ای از اهمیت مطالعه هنر اسلامی در طراحی شهری، به دلیل ماهیت خاص این نوع هنر و تأثیرات آن بر درک و احساسات شهروندان نسبت به فضای زندگی‌شان است. در مقایسه با الگوهای دیگر، هنر اسلامی به دلیل ماهیت معنوی و رویکردی که به عناصر طبیعی و فراطبیعی دارد، درک عمیق‌تری از معنا و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی به فضاهای شهری می‌بخشد. به‌طور خاص، این هنر در ایجاد پیوند میان فرد و مکان نقش مهمی ایفا می‌کند. به‌عنوان مثال، در برخی از مناطق مانند نیشابور و بخارا، استفاده از معماری اسلامی در فضای شهری توانسته است احساس تعلق و پیوند به گذشته فرهنگی و تاریخی را در میان مردم تقویت کند. این امر منجر به حفظ و تقویت هویت‌های فرهنگی شده و به جلوگیری از زوال ارزش‌های سنتی در برابر جهانی‌سازی کمک کرده است (Oktay, 2017).

از سوی دیگر، جهانی‌سازی و ورود الگوهای معماری مدرن به کشورهای اسلامی و شهرهای دارای پیشینه فرهنگی اسلامی، تهدیدی برای هویت و فرهنگ بومی این مناطق محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، بازگشت به اصول و الگوهای هنر اسلامی در طراحی فضاهای شهری می‌تواند نه تنها به حفظ هویت فرهنگی این مناطق کمک کند بلکه بستری مناسب برای تلفیق هنر مدرن با ارزش‌های سنتی فراهم آورد. این امر نیازمند فهم عمیق از اصول و مبانی هنر اسلامی و نحوه پیاده‌سازی آن در طراحی فضاهای مدرن است. بدین منظور، استفاده از الگوهای معماری اسلامی می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مؤثر برای مقابله با چالش‌های ناشی

از جهانی سازی و تأثیرات فرهنگی آن در نظر گرفته شود. از این منظر، شناخت و استفاده از مفاهیم هنر اسلامی می تواند راهی برای حفظ و تقویت هویت فرهنگی در مقابل روندهای جهانی و بسط ارزش های اصیل محلی در شهرهای اسلامی باشد (Surchi and Nafa, 2021).

از لحاظ مفهومی، یکی از سوالات اساسی این پژوهش، بررسی میزان تأثیر اصول هنر اسلامی بر تقویت هویت فرهنگی و تعلق مکانی در طراحی فضاهای شهری است. هدف اصلی این تحقیق آن است که با بررسی و تحلیل ویژگی های بصری و معنوی هنر اسلامی و نحوه پیاده سازی آن در فضاهای شهری، نقشی که این هنر در تقویت هویت و افزایش حس تعلق افراد به مکان دارد، تبیین شود. این امر به ویژه در شرایط فعلی که با روند رو به رشد جهانی سازی و افزایش فضاهای شهری بی هویت مواجه هستیم، از اهمیت بیشتری برخوردار است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که چگونه می توان با استفاده از اصول هنر اسلامی، به فضاهای شهری معنای هویتی بخشید و آن ها را به فضایی برای بیان هویت و فرهنگ تبدیل کرد.

یکی دیگر از اهداف این پژوهش، شناسایی و ارزیابی عناصر خاصی از هنر اسلامی است که بیشترین تأثیر را در ایجاد احساس تعلق و هویت در فضاهای شهری دارند. این عناصر شامل نقوش هندسی، خطوط، رنگ ها و الگوهای هستند که به عنوان نمادهای هویت و فرهنگ در معماری اسلامی شناخته می شوند. با بررسی و تحلیل نمونه های طراحی شهری که از این عناصر بهره برده اند، سعی شده است به درکی عمیق تر از این که چگونه این عناصر می توانند نقش تقویت کننده ای در حفظ هویت فرهنگی و اجتماعی داشته باشند، دست یافت. در این راستا، بررسی های انجام شده در مناطق مختلف جهان اسلام، از جمله بررسی های انجام شده در شهرهای عراق و قطر، نشان می دهد که استفاده از این عناصر تا چه اندازه در ایجاد حس تعلق به مکان و افزایش احساس هویت در میان شهروندان مؤثر بوده است (Fadli and AlSaeed, 2019). در نهایت، این پژوهش قصد دارد به عنوان پلی میان هنر اسلامی و نیازهای طراحی شهری معاصر عمل کرده و راهکارهایی عملی برای تلفیق این دو حوزه ارائه دهد.

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش شناسی توصیفی-تحلیلی برای تحلیل الگوهای هویتی در طراحی فضاهای شهری بر مبنای اصول هنر اسلامی استفاده شده است. این روش به دلیل ماهیت کیفی و نیاز به بررسی عمیق مفاهیم هویتی و ارتباط آن با معماری و هنر اسلامی انتخاب شده است. در این بخش، ابتدا به نحوه گردآوری داده ها و سپس به مراحل تحلیل آن ها پرداخته شده است.

گردآوری داده ها در این پژوهش به دو صورت انجام گرفته است: مطالعات کتابخانه ای و مطالعات میدانی. در بخش مطالعات کتابخانه ای، منابع معتبر و تخصصی در زمینه اصول هنر اسلامی، مفاهیم هویتی و طراحی شهری مورد بررسی قرار گرفته اند. مقالات علمی، کتاب ها، و منابع الکترونیکی که به تحلیل هنر اسلامی و تأثیرات آن بر طراحی شهری پرداخته اند، گردآوری و مطالعه شده اند. در این فرآیند، تلاش شده است تا منابع اصلی و به روز در دسترس باشد و از متون معتبر و شاخص به منظور استناد و تبیین چارچوب نظری استفاده شود. این مطالعات کمک کرده است تا زمینه نظری قوی و مبتنی بر ادبیات غنی پژوهش برای تحقیق فراهم شود.

بخش دوم گردآوری داده ها مربوط به مطالعات میدانی است. در این بخش، نمونه هایی از فضاهای شهری که در طراحی آن ها از اصول هنر اسلامی استفاده شده است، شناسایی و مورد بررسی قرار گرفته اند. انتخاب این نمونه ها بر اساس ویژگی هایی نظیر استفاده از عناصر هنر اسلامی مانند هندسه، رنگ، الگوهای

تزیینی و نقوش اسلامی بوده است. این نمونه‌ها عمدتاً در شهرهای اسلامی و تاریخی ایران انتخاب شده‌اند که دارای پیشینه‌ای غنی در بهره‌گیری از اصول هنر اسلامی در طراحی شهری هستند. برای بررسی دقیق این فضاها، از مشاهده میدانی و ثبت جزئیات طراحی‌ها استفاده شده است؛ به‌ویژه تلاش شده است تا تأثیر این اصول بر حس تعلق به مکان و هویت فرهنگی افراد ارزیابی شود.

تحلیل داده‌ها با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در این روش، ابتدا هر یک از نمونه‌های مورد بررسی به تفصیل توصیف شده‌اند و سپس تحلیل بر مبنای اصول هنر اسلامی و الگوهای هویتی انجام گرفته است. این تحلیل شامل ارزیابی عناصر هندسی، رنگ‌بندی‌ها، نقوش و الگوهای تزیینی است که در طراحی فضاهای شهری استفاده شده‌اند. هدف از این تحلیل، شناسایی این است که چگونه اصول هنر اسلامی به تقویت هویت و تعلق فرهنگی افراد در محیط‌های شهری کمک می‌کند. همچنین تلاش شده است تا این عناصر با دیگر رویکردها و مدل‌های طراحی شهری مقایسه شود تا تمایزات و شباهت‌ها به صورت دقیق مشخص گردد.

پیشینه پژوهش

پیشینه تحقیق در حوزه طراحی شهری و هویت نشان‌دهنده عمق ارتباط میان فضاهای شهری و الگوهای فرهنگی-اجتماعی جامعه است. بسیاری از محققان بر این باورند که طراحی شهری می‌تواند تأثیرات مستقیمی بر احساسات و رفتارهای اجتماعی ساکنان داشته باشد. فضاهای شهری به‌عنوان بستر زندگی روزمره، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت و تعلق اجتماعی دارند. طراحی این فضاها، به‌ویژه در شهرهای دارای میراث اسلامی، در بستر تاریخی، فرهنگی، و اجتماعی خاص خود جای گرفته و با استفاده از اصول هنر اسلامی، معنای عمیق‌تری به این فضاها بخشیده است. این رویکرد نشان می‌دهد که نه‌تنها زیبایی بصری بلکه هویت فرهنگی نیز به‌واسطه نمادها و الگوهای هنری تقویت می‌شود و موجب ایجاد تعلق مکانی در میان مردم می‌گردد (Pourzakarya and Bahramjerdi, 2022).

از دیدگاه هنری، هنر اسلامی از ابتدای شکل‌گیری خود به عنوان عنصری متنوع و پیچیده، الگوها و اصول خاصی را در معماری و طراحی فضاهای شهری معرفی کرده است. این اصول شامل استفاده از نقوش هندسی، تکرار و تقارن، و توجه به نور و سایه هستند که هرکدام به نحوی خاص، حس زیبایی و عمق معنوی را به فضاهای شهری القا می‌کنند. به‌ویژه در شهرهای اسلامی، این اصول به منظور ارتقای هویت اسلامی و حفظ فرهنگ بومی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. پژوهش‌های متعددی به بررسی تأثیر این عناصر بر حس هویت و تعلق پرداخته‌اند. به عنوان مثال، در پژوهشی که به تأثیرات نور و سایه در معماری اسلامی پرداخته شده، آمده است که نحوه استفاده از این عناصر می‌تواند به فضاهای شهری عمق و معنای بیشتری ببخشد و احساس تعلق و ارتباط عمیق‌تری میان شهروندان و مکان‌ها ایجاد کند (Baslouh, 2020).

مطالعات پیشین در زمینه الگوهای هویتی در شهرسازی نیز به‌وضوح نشان می‌دهند که طراحی شهری می‌تواند از مؤلفه‌های هنر اسلامی بهره‌برداری تا به تقویت هویت بومی کمک کند. این پژوهش‌ها حاکی از آن هستند که به کارگیری الگوهای هندسی و تقارن به عنوان نمادهایی از همبستگی اجتماعی و وحدت در فضاهای شهری اسلامی استفاده شده است. این الگوها که بر اساس اصول زیبایی‌شناختی و معنوی هنر اسلامی شکل گرفته‌اند، می‌توانند ضمن زیباسازی محیط شهری، ارتباطی نمادین با هویت فرهنگی ایجاد کنند. برای مثال، در برخی از مطالعات انجام‌شده در زمینه بررسی الگوهای هویتی در شهرهای قدیمی مانند بغداد

و اصفهان، مشخص شده است که استفاده از این الگوها باعث تقویت حس وحدت و تعلق در میان افراد جامعه شده و این مسئله به ویژه در مقابله با تأثیرات مخرب جهانی سازی بسیار مؤثر بوده است (Kelkar, 2021).

یکی از شکاف‌های اساسی در ادبیات تحقیق مرتبط با طراحی شهری و هویت در شهرهای اسلامی، کمبود مطالعاتی است که به تحلیل دقیق تر ارتباط میان هنر اسلامی و هویت شهری پرداخته باشد. با وجود تحقیقات متعدد در زمینه کاربردهای هنری و زیبایی‌شناختی، هنوز بررسی‌های جامع و دقیقی که بتواند با تحلیل علمی و عمیق این رابطه را توضیح دهد، به‌طور کامل انجام نشده است. در این راستا، بسیاری از محققان بر این باورند که نیاز به مطالعاتی وجود دارد که بتواند با رویکردی میان‌رشته‌ای، اثرات کاربرد اصول هنر اسلامی را در تقویت هویت و تعلق مکانی بررسی کند. این مسئله، خصوصاً در شهرهای اسلامی که در معرض تهدیدهای ناشی از جهانی سازی و تضعیف هویت‌های بومی قرار دارند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (Oktay, 2017).

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که تأکید بر اصول هنر اسلامی در طراحی شهری علاوه بر ایجاد زیبایی بصری، می‌تواند تأثیرات روان‌شناختی مثبتی نیز بر افراد بگذارد. از جمله ویژگی‌های بارز هنر اسلامی که در مطالعات اخیر به آن پرداخته شده است، نقش الگوهای تکرار شونده و هماهنگی هندسی است که حس آرامش و ثبات را به مخاطبان منتقل می‌کند. این ویژگی‌ها با بهره‌گیری از طرح‌های تکرارپذیر و تقارن، احساس امنیت و پایداری را به افراد القا کرده و به نوعی ارتباط ذهنی و معنوی با فضای اطراف ایجاد می‌کنند. پژوهش‌هایی که به بررسی این عناصر در فضاهای شهری اسلامی پرداخته‌اند، نشان می‌دهند که این ویژگی‌ها می‌توانند نقش مهمی در کاهش تنش‌ها و استرس‌های ناشی از زندگی شهری ایفا کنند و به این ترتیب به تقویت حس تعلق مکانی و هویت فرهنگی کمک کنند (Kelkar, 2021).

از جنبه دیگری، بررسی‌های اخیر در مورد هنر اسلامی و تأثیر آن بر طراحی شهری، به لایه‌های عمیق‌تری از ارتباطات معنوی و فرهنگی میان شهروندان و فضاهای شهری پرداخته‌اند. در این راستا، برخی پژوهش‌ها به تأثیر متقابل فضاهای شهری و فرهنگ بومی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که چگونه استفاده از عناصر هنر اسلامی می‌تواند به تقویت پیوندهای اجتماعی و ایجاد هویت مشترک میان شهروندان کمک کند. به‌طور مثال، تحقیقاتی که به بررسی ویژگی‌های معماری اسلامی در شهرهای خاورمیانه پرداخته‌اند، تأثیرات مثبت آن را بر روابط اجتماعی و حس تعلق شهروندان نشان داده‌اند. این امر نشان‌دهنده نقش مهم طراحی شهری در انتقال و تقویت ارزش‌های فرهنگی است (Bolkaner et al., 2019).

با این وجود، بسیاری از پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که تغییرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از فرآیندهای جهانی سازی و ورود فناوری‌های مدرن به شهرهای اسلامی می‌تواند تهدیدی برای حفظ هویت اسلامی باشد. در این راستا، بسیاری از شهرها در تلاش هستند تا با بازگشت به اصول هنری و فرهنگی، از این تهدیدها جلوگیری کنند. به عنوان نمونه، در مطالعه‌ای که به بررسی تأثیر طراحی شهری بر هویت فرهنگی شهرهای قطر پرداخته شده، نشان داده شده است که با بهره‌گیری از معماری اسلامی و تطبیق آن با نیازهای مدرن، می‌توان به حفظ و تقویت هویت فرهنگی در برابر تأثیرات خارجی کمک کرد. این مطالعه نشان می‌دهد که ترکیب اصول هنر اسلامی با رویکردهای مدرن در طراحی شهری می‌تواند راهکاری مؤثر برای مقابله با چالش‌های پیش‌روی فرهنگ‌های بومی در برابر جهانی سازی باشد (Fadli and AlSaeed, 2019).

در نهایت، یکی دیگر از جنبه‌های مهم مورد بررسی در مطالعات پیشین، نقش معماری اسلامی در تأثیرگذاری بر رفتارها و ادراکات اجتماعی شهروندان است. اصول معماری اسلامی، به‌ویژه در فضاهای عمومی و مکان‌های تجمع، می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تقویت همبستگی اجتماعی و ایجاد فضایی که شهروندان را

به هم نزدیکتر می‌کند، عمل کند. به عنوان مثال، مطالعه‌ای که به بررسی تأثیرات فرهنگی معماری اسلامی در شهرهای عراق پرداخته، نشان داده است که این اصول نه تنها به بهبود کیفیت فضای شهری کمک کرده‌اند بلکه با ایجاد احساس آرامش و تعلق در میان افراد، به تقویت هویت اجتماعی و فرهنگی آنها نیز انجامیده است. چنین مطالعاتی نشان می‌دهد که اصول هنر اسلامی می‌تواند به عنوان ابزاری فرهنگی و اجتماعی برای تقویت هویت و تعلق مکانی به کار گرفته شود و به این ترتیب به پایداری فرهنگها و ارزش‌های اجتماعی کمک کند (Surchi and Nafa, 2021).

در مجموع، بررسی ادبیات و پیشینه تحقیق در این حوزه نشان‌دهنده اهمیت هنر اسلامی در طراحی شهری و تأثیرات عمیق آن بر هویت فرهنگی و تعلق مکانی است. با این حال، کمبود پژوهش‌هایی که به صورت جامع و علمی به تحلیل نقش هنر اسلامی در هویت‌دهی به فضاهای شهری پرداخته باشند، به وضوح مشهود است. این پژوهش‌ها نیازمند تحلیل‌هایی جامع‌تر و دقیق‌تر هستند که به ویژه بر تأثیرات روان‌شناختی و اجتماعی هنر اسلامی در شهرهای معاصر تمرکز کنند. با توجه به این شکاف‌ها، پژوهش حاضر قصد دارد با بررسی جامع‌تری از اصول و الگوهای هنر اسلامی در طراحی شهری، به درکی عمیق‌تر از این ارتباطات دست یابد و به یافته‌هایی برسد که بتوانند در حفظ و تقویت هویت‌های بومی و فرهنگی در برابر چالش‌های جهانی‌سازی مفید واقع شوند.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای تبیین مفاهیم هویت فرهنگی و اصول هنر اسلامی در طراحی فضاهای شهری استوار است. برای فهم بهتر این مفاهیم، ابتدا به تعریف هویت فرهنگی و عناصر کلیدی آن می‌پردازیم و سپس به تحلیل ارتباط آن با اصول و الگوهای هنر اسلامی در معماری شهری می‌پردازیم. هدف این چارچوب نظری این است که روشن کند چگونه اصول هنر اسلامی می‌توانند در ایجاد، حفظ و تقویت هویت فرهنگی در فضاهای شهری مؤثر باشند و چه نقشی در افزایش احساس تعلق به مکان میان شهروندان ایفا می‌کنند.

هویت فرهنگی به عنوان مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، سنت‌ها و الگوهای رفتاری تعریف می‌شود که از طریق تعاملات اجتماعی و تجربیات مشترک شکل می‌گیرد. این مفهوم، شامل عناصری است که افراد و جوامع را به یکدیگر پیوند می‌دهد و به آنها حس تعلق و همبستگی می‌بخشد. نظریه پردازان فرهنگی، همچون ادوارد ساید و آنتونی گیدنز، معتقدند که هویت فرهنگی نتیجه تعاملات پیچیده میان فرد و جامعه است و به واسطه عوامل مختلفی از جمله فضاهای عمومی و الگوهای معماری تقویت می‌شود. فضاهای شهری به عنوان بستر زندگی اجتماعی و مکانی برای برقراری تعاملات اجتماعی، نقش بسزایی در شکل‌گیری و تقویت هویت فرهنگی دارند. این فضاها با استفاده از نمادها و نشانه‌های فرهنگی قادرند ارتباط میان افراد و محیط را تقویت کرده و حس تعلق را در میان ساکنان آن فضاها افزایش دهند (Kelkar, 2021).

از سوی دیگر، هنر اسلامی با برخورداری از اصول خاص خود، همچون استفاده از هندسه، تکرار، تقارن، نور و سایه، به عنوان ابزاری قدرتمند در طراحی فضاهای شهری به کار گرفته می‌شود. این اصول نه تنها جنبه زیبایی‌شناختی دارند بلکه به شکل‌دهی و تقویت هویت فرهنگی نیز کمک می‌کنند. به ویژه در فرهنگ اسلامی، استفاده از هندسه و الگوهای تکراری به عنوان نمادی از همبستگی و وحدت الهی در نظر گرفته می‌شود. این رویکرد در طراحی فضاهای شهری باعث می‌شود تا افراد احساس تعلق بیشتری به فضا پیدا کنند و به واسطه ارتباط معنوی با محیط، هویت فرهنگی خود را تقویت کنند. به عنوان مثال، استفاده از نقوش

هندسی در مساجد و میدان‌های عمومی نشان‌دهنده مفهوم وحدت در کثرت است که یکی از اصول بنیادی هنر اسلامی به شمار می‌آید و این مفهوم به‌طور خاص در فضای شهری به ایجاد حس ارتباط میان افراد و محیط کمک می‌کند (Baslouh, 2020).

چارچوب نظری این پژوهش همچنین بر اساس نظریه‌های هویت فرهنگی به تبیین ارتباط میان معماری اسلامی و حس تعلق مکانی می‌پردازد. نظریه‌پردازانی همچون پروشانسکی و پانتون به‌طور گسترده به بررسی مفهوم تعلق مکانی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند که چگونه طراحی فضاها و عناصر معماری می‌تواند به شکل‌گیری احساس تعلق و هویت فرهنگی در میان افراد کمک کند. این نظریه‌ها تأکید می‌کنند که احساس تعلق به مکان نه تنها نتیجه تعاملات اجتماعی بلکه ناشی از ادراکات بصری و تجربیات فضایی است که از طریق طراحی‌های هنری و معماری القا می‌شود. در چارچوب هنر اسلامی، استفاده از عناصر هنری همچون الگوهای هندسی و تزئینی باعث می‌شود که فضاهای شهری به بستری برای ارتباطات معنوی تبدیل شوند و حس تعلق به مکان در میان افراد تقویت شود (Oktay, 2017).

یکی دیگر از عناصر مهم در چارچوب نظری این پژوهش، مفهوم «هویت جمعی» است که به واسطه استفاده از هنر اسلامی در فضاهای شهری تقویت می‌شود. هویت جمعی به عنوان یکی از ابعاد هویت فرهنگی، به معنای حس تعلق مشترک به یک جامعه یا گروه خاص است که از طریق نمادها، ارزش‌ها و نشانه‌های مشترک ایجاد می‌شود. در طراحی شهری، استفاده از عناصر مشترک هنر اسلامی همچون قوس‌ها، نقوش گیاهی و هندسی، باعث می‌شود که فضای شهری به عنوان نمادی از هویت فرهنگی مشترک در نظر گرفته شود. این عناصر نه تنها به زیبایی بصری محیط کمک می‌کنند بلکه با ایجاد ارتباط معنوی میان افراد و محیط، حس همبستگی و تعلق جمعی را نیز تقویت می‌کنند. به عنوان مثال، در پژوهشی که به بررسی تأثیر معماری اسلامی بر هویت جمعی در شهرهای قدیمی عراق پرداخته شده، نشان داده شده است که استفاده از این عناصر باعث تقویت هویت فرهنگی و حس همبستگی میان ساکنان شده است (Surchi and Nafa, 2021).

در تحلیل چارچوب نظری مرتبط با اصول هنر اسلامی، می‌توان به مفهوم «زیبایی‌شناسی مقدس» نیز اشاره کرد که نقش مهمی در طراحی فضاهای شهری ایفا می‌کند. در هنر اسلامی، زیبایی‌شناسی به معنای ایجاد فضایی است که نه تنها از لحاظ بصری جذاب باشد بلکه ارزش‌های معنوی و دینی را نیز به مخاطب القا کند. این مفهوم در طراحی فضاهای شهری به‌ویژه در ساختار مساجد، میدان‌ها و باغ‌های ایرانی به وضوح مشاهده می‌شود. استفاده از نور و سایه، به عنوان یکی از عناصر کلیدی هنر اسلامی، باعث ایجاد فضایی معنوی و آرامش‌بخش می‌شود که نه تنها برای عبادت بلکه برای تعاملات اجتماعی و فرهنگی نیز مناسب است. این ویژگی‌ها باعث می‌شوند که فضاهای شهری به بستری برای تجربه‌های معنوی تبدیل شوند و حس تعلق به مکان و هویت فرهنگی را در میان ساکنان تقویت کنند (Fadli and AlSaeed, 2019).

چارچوب نظری این پژوهش همچنین به تحلیل نقش عناصر خاصی از هنر اسلامی همچون نور، سایه، آب و گیاهان در تقویت هویت فرهنگی و ایجاد احساس تعلق مکانی می‌پردازد. نور و سایه به عنوان عناصر کلیدی در هنر اسلامی، نمادی از دوگانگی و در عین حال تکامل هستند. این عناصر در معماری اسلامی به گونه‌ای به کار می‌روند که حس هماهنگی و وحدت را به مخاطب القا کنند. استفاده از آب و گیاهان در باغ‌های ایرانی نیز به‌عنوان نمادی از بهشت و آرامش مورد استفاده قرار گرفته و با ایجاد فضایی دلپذیر و آرامش‌بخش، حس تعلق به مکان را در میان افراد تقویت می‌کند. این اصول، به‌ویژه در شهرهای اسلامی که با طبیعت خشک و بیابانی روبه‌رو هستند، نقش مهمی در ایجاد حس آرامش و رضایت در میان ساکنان دارند (Donboli et al., 2017).

نظریه‌های مرتبط با هویت فرهنگی و تعلق مکانی همچنین به مفهوم «نمادگرایی فضایی» می‌پردازند که در طراحی فضاهای شهری بر اساس اصول هنر اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد. نمادگرایی فضایی به معنای استفاده از نشانه‌ها و نمادهایی است که به واسطه آن‌ها فضاها معنا و هویت خاصی پیدا می‌کنند. در هنر اسلامی، این نشانه‌ها معمولاً به صورت الگوهای تکراری، نقوش گیاهی و حیوانی، و استفاده از خطوط و هندسه انتزاعی به کار می‌روند که هر کدام به نحوی خاص، ارزش‌ها و باورهای فرهنگی را بازتاب می‌دهند. استفاده از این نمادها در طراحی فضاهای شهری به ایجاد ارتباط عمیق‌تر میان فرد و محیط کمک کرده و به تقویت هویت فرهنگی و تعلق مکانی منجر می‌شود. برای مثال، پژوهش‌هایی که به بررسی نقش نمادگرایی فضایی در شهرهای قطر پرداخته‌اند، نشان داده‌اند که استفاده از این نشانه‌ها در فضاهای عمومی باعث افزایش احساس تعلق و هویت در میان ساکنان شده است (Perkova et al., 2021).

با توجه به چارچوب نظری مطرح شده، این پژوهش بر آن است تا با تحلیل دقیق‌تری از اصول و عناصر هنر اسلامی، به درکی جامع‌تر از نقش آن‌ها در تقویت هویت فرهنگی و تعلق مکانی دست یابد. با توجه به اینکه هنر اسلامی نه تنها به جنبه‌های زیبایی‌شناختی بلکه به جنبه‌های معنوی و فرهنگی نیز تأکید دارد، می‌توان این هنر را به عنوان ابزاری قدرتمند در طراحی فضاهای شهری به کار برد که نه تنها محیطی زیبا و جذاب بلکه فضایی معنادار و هویت‌بخش ایجاد کند. این چارچوب نظری با بررسی ارتباط میان هویت فرهنگی، نمادگرایی فضایی و اصول هنر اسلامی، به درک بهتری از چگونگی استفاده از این هنر در طراحی شهری و تأثیر آن بر تقویت هویت‌های بومی و تعلق مکانی کمک می‌کند.

در نهایت، چارچوب نظری این پژوهش بر این ایده تأکید دارد که طراحی فضاهای شهری می‌تواند به طور مستقیم بر هویت و تعلق مکانی افراد تأثیر بگذارد. اصول هنر اسلامی به واسطه جنبه‌های بصری و معنوی خود، توانایی ایجاد ارتباطی عمیق میان فرد و محیط را دارند و می‌توانند به عنوان ابزاری فرهنگی برای تقویت هویت‌های محلی و مقابله با تهدیدات ناشی از جهانی‌سازی به کار گرفته شوند. با استفاده از این چارچوب، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا راهکارهایی عملی برای تلفیق این اصول با نیازهای معاصر طراحی شهری ارائه دهد و به این ترتیب به حفظ و تقویت هویت‌های فرهنگی در فضاهای شهری کمک کند.

بحث

یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده نقش پررنگ اصول هنر اسلامی در تقویت هویت و احساس تعلق به مکان در فضاهای شهری است. اصول هنری همچون استفاده از هندسه منظم، رنگ‌های خاص، الگوها و نمادهای فرهنگی که در هنر اسلامی به کار رفته‌اند، به شکل ویژه‌ای در ایجاد فضایی معنادار و هویت‌بخش مؤثر بوده‌اند. این پژوهش به تحلیل نحوه به کارگیری این عناصر در طراحی فضاهای شهری پرداخته و تأثیرات آن‌ها را بر هویت و احساس تعلق به مکان بررسی کرده است. در این بخش، به تحلیل این عناصر و همچنین مقایسه آن‌ها با دیگر مدل‌های طراحی شهری در سطح بین‌المللی پرداخته می‌شود.

یکی از اصول اساسی هنر اسلامی که در طراحی شهری به کار رفته است، استفاده از هندسه منظم و تقارن است. هندسه در هنر اسلامی نه تنها به عنوان عنصری زیبایی‌شناختی بلکه به عنوان نمادی از نظم الهی و وحدت در کثرت به کار گرفته می‌شود. در فضاهای شهری، این هندسه به شکل خاصی در معماری مساجد، باغ‌ها، و میدان‌ها مورد استفاده قرار گرفته و باعث تقویت حس نظم و همبستگی در میان افراد شده است. این الگوهای هندسی به ویژه در طراحی مساجد مرکزی و میدان‌های عمومی نقش مهمی در تقویت هویت اسلامی داشته‌اند، به طوری که به واسطه تکرار و تقارن، نمادی از وحدت و ارتباط میان مردم ایجاد کرده‌اند (Baslouh, 2020). بررسی میدانی نمونه‌های متعددی از این فضاهای شهری نشان می‌دهد که این الگوها باعث افزایش حس تعلق به مکان و تقویت هویت

جمعی شده‌اند. در مقابل، در بسیاری از فضاهای شهری مدرن که از الگوهای نامنظم و بی‌تفاوت به ارزش‌های فرهنگی استفاده شده است، این حس تعلق به میزان قابل توجهی کاهش یافته است.

رنگ به عنوان یکی دیگر از عناصر کلیدی هنر اسلامی نقش مهمی در طراحی فضاهای شهری ایفا می‌کند. استفاده از رنگ‌های خاص مانند آبی، سبز، و طلایی که در هنر اسلامی متداول است، نه تنها به زیبایی فضا کمک می‌کند بلکه معانی فرهنگی و معنوی خاصی را نیز به افراد منتقل می‌کند. رنگ آبی در معماری اسلامی، نمادی از آسمان و بی‌کرانی است و به‌ویژه در کاشی‌کاری‌های مساجد و دیگر فضاهای عمومی به‌کار رفته است. این رنگ‌ها به فضا حس آرامش و تعمق می‌بخشند و باعث می‌شوند که افراد احساس کنند در محیطی معنوی و متصل به ارزش‌های فرهنگی خود قرار دارند. در پژوهشی که به بررسی تأثیر رنگ‌ها بر حس تعلق مکانی در فضاهای عمومی پرداخته شده است، مشخص شده که استفاده از رنگ‌های خاص اسلامی به‌طور مستقیم بر احساس رضایت و تعلق افراد تأثیر می‌گذارد و این امر به تقویت هویت فرهنگی آن‌ها کمک می‌کند (Donboli et al., 2017).

الگوهای تکراری نیز از دیگر عناصر مهم هنر اسلامی هستند که در طراحی فضاهای شهری به کار رفته‌اند. این الگوها که اغلب شامل نقوش گیاهی و هندسی هستند، به صورت گسترده در کاشی‌کاری‌ها، دیوارها، و سقف‌های فضاهای عمومی به‌کار گرفته شده‌اند. تکرار در این الگوها، نمادی از پایداری و تداوم است و حس نظم و آرامش را به افراد منتقل می‌کند. در مقایسه با برخی از فضاهای شهری در غرب که از الگوهای نامنظم و شلوغ استفاده شده است، فضاهای شهری اسلامی به واسطه این الگوهای تکراری توانسته‌اند محیطی متعادل و متناسب با نیازهای روانی افراد فراهم کنند. بررسی‌ها نشان داده است که این تکرارها، به واسطه ایجاد حس آشنایی و ارتباط با گذشته فرهنگی، به افزایش حس تعلق به مکان و تقویت هویت فرهنگی افراد کمک کرده‌اند (Kelkar, 2021).

نمادگرایی در هنر اسلامی نیز نقش مهمی در ایجاد هویت فرهنگی در فضاهای شهری دارد. نمادهایی همچون قوس‌ها، مناره‌ها، و آب‌نماها به عنوان عناصری نمادین در طراحی فضاهای شهری اسلامی به‌کار رفته‌اند. این نمادها نه تنها به جذابیت بصری فضا کمک می‌کنند بلکه به واسطه مفاهیم عمیق معنوی که در خود جای داده‌اند، باعث می‌شوند که افراد ارتباطی معنوی و عاطفی با فضا پیدا کنند. به عنوان مثال، استفاده از آب‌نماها در باغ‌های ایرانی و میدان‌های شهری، نمادی از بهشت و آرامش است و باعث می‌شود که فضاهای شهری به مکانی دلپذیر و آرامش‌بخش تبدیل شوند که افراد در آن احساس راحتی و تعلق می‌کنند (Fadli and AlSaeed, 2019). این عناصر نمادین باعث می‌شوند که فضاهای شهری اسلامی علاوه بر عملکردهای فیزیکی، به عنوان مکانی برای تجربه‌های معنوی و فرهنگی نیز شناخته شوند.

مقایسه یافته‌های این پژوهش با نمونه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که فضاهای شهری که بر مبنای اصول هنر اسلامی طراحی شده‌اند، در ایجاد و تقویت هویت فرهنگی و حس تعلق به مکان به مراتب موفق‌تر از برخی دیگر از مدل‌های طراحی شهری بوده‌اند. برای مثال، در برخی از شهرهای اروپایی که طراحی شهری بر مبنای اصول عملکردی و اقتصادی صورت گرفته است، فضاهای عمومی به‌طور عمده به مکان‌هایی برای گذر تبدیل شده‌اند و حس تعلق مکانی در آن‌ها به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. در مقابل، فضاهای شهری اسلامی که از الگوهای هنری و فرهنگی بهره برده‌اند، به مکانی برای تعاملات اجتماعی و تجربه‌های معنوی تبدیل شده‌اند که این امر به تقویت هویت فرهنگی و احساس تعلق میان افراد کمک کرده است (Oktay, 2017).

بررسی تأثیر هر یک از عناصر هنر اسلامی نشان می‌دهد که این عناصر به طور کلی در سه بعد زیبایی‌شناختی، معنوی و روان‌شناختی بر فضاهای شهری تأثیرگذارند. بعد زیبایی‌شناختی این عناصر باعث افزایش جذابیت و کیفیت بصری فضا شده و به واسطه ایجاد هماهنگی و توازن، حس آرامش را به افراد القا

می‌کند. بعد معنوی آن‌ها باعث ایجاد ارتباطی عمیق و معنوی میان فرد و محیط می‌شود و به واسطه نمادها و نشانه‌های مذهبی و فرهنگی، احساس تعلق و ارتباط با ارزش‌های فرهنگی را تقویت می‌کند. بعد روان‌شناختی این عناصر نیز باعث ایجاد حس امنیت و راحتی در فضاهای شهری می‌شود و به واسطه ایجاد محیطی آشنا و دوست‌داشتنی، به تقویت هویت و تعلق مکانی کمک می‌کند.

یکی از نقاط قوت اصول هنر اسلامی در طراحی فضاهای شهری، توانایی آن‌ها در ترکیب زیبایی‌شناسی با معنویت است. این ترکیب باعث می‌شود که فضاهای شهری نه تنها به مکانی برای فعالیت‌های روزمره بلکه به بستری برای تجربه‌های معنوی و فرهنگی تبدیل شوند. این ویژگی‌ها به‌ویژه در مقابله با تهدیدهای ناشی از جهانی‌سازی و تضعیف هویت‌های بومی بسیار اهمیت دارند. جهانی‌سازی و ورود الگوهای معماری مدرن به کشورهای اسلامی، باعث ایجاد تغییراتی در طراحی شهری این مناطق شده که بعضاً به تضعیف هویت‌های بومی منجر شده است. در این شرایط، استفاده از اصول هنر اسلامی در طراحی شهری می‌تواند راهکاری مؤثر برای حفظ و تقویت هویت فرهنگی باشد و از زوال ارزش‌های سنتی در برابر الگوهای جهانی جلوگیری کند (Surchi and Nafa, 2021).

در نهایت، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از اصول هنر اسلامی در طراحی فضاهای شهری می‌تواند به ایجاد محیطی معنادار و هویت‌بخش منجر شود که نه تنها جذابیت بصری دارد بلکه به واسطه مفاهیم معنوی و فرهنگی که در خود جای داده است، باعث تقویت هویت و احساس تعلق به مکان در میان ساکنان می‌شود. این اصول می‌توانند به عنوان الگویی برای طراحی شهری در کشورهای اسلامی و حتی فراتر از آن، به کار گرفته شوند و به ایجاد فضاهایی کمک کنند که به جای تأکید صرف بر عملکردهای فیزیکی، به نیازهای معنوی و فرهنگی افراد نیز پاسخ دهند.

با توجه به تحلیل‌ها و یافته‌های ارائه شده، می‌توان نتیجه گرفت که طراحی شهری بر مبنای اصول هنر اسلامی نه تنها به افزایش کیفیت بصری و جذابیت محیط کمک می‌کند بلکه به شکل‌گیری و تقویت هویت فرهنگی و احساس تعلق به مکان نیز مؤثر است. این رویکرد می‌تواند به عنوان راهکاری برای مقابله با چالش‌های ناشی از جهانی‌سازی و تضعیف هویت‌های بومی مورد استفاده قرار گیرد و به حفظ و تقویت ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در فضاهای شهری کمک کند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از الگوهای هنری اسلامی در طراحی فضاهای شهری، می‌تواند به شکل قابل توجهی به افزایش حس تعلق مکانی و تقویت هویت فرهنگی میان شهروندان کمک کند. این یافته‌ها از تحلیل عناصری همچون هندسه منظم، رنگ، الگوهای تکراری و نمادهای اسلامی حاصل شده است که در معماری و طراحی شهری شهرهای اسلامی به کار رفته‌اند و توانسته‌اند ارتباطی معنوی و عمیق میان فرد و محیط ایجاد کنند. در واقع، اصول هنر اسلامی نه تنها به افزایش کیفیت زیبایی‌شناختی فضاهای شهری کمک کرده‌اند بلکه به واسطه ایجاد حس معنویت و ارتباط با ارزش‌های فرهنگی، نقش مهمی در تقویت هویت و احساس تعلق به مکان ایفا کرده‌اند (Baslouh, 2020).

یافته‌های این پژوهش به‌وضوح نشان می‌دهند که طراحی فضاهای شهری با استفاده از اصول هنر اسلامی می‌تواند به ایجاد فضاهایی بپردازد که به‌طور همزمان هم نیازهای فیزیکی و هم نیازهای معنوی و فرهنگی افراد را تأمین کنند. هندسه منظم و تقارن که از مهم‌ترین ویژگی‌های هنر اسلامی هستند، نه تنها به عنوان عنصری زیبایی‌شناختی در فضاهای شهری مورد استفاده قرار گرفته‌اند، بلکه به واسطه ایجاد حس نظم و هماهنگی، باعث تقویت هویت و همبستگی میان

شهروندان شده‌اند. این الگوها به‌ویژه در معماری مساجد و میدان‌های عمومی به‌کار رفته‌اند و توانسته‌اند فضایی برای تعاملات اجتماعی و فرهنگی فراهم آورند که در آن افراد احساس تعلق و پیوند با یکدیگر داشته باشند (Donboli et al., 2017).

یکی دیگر از یافته‌های مهم این پژوهش، نقش رنگ در طراحی فضاهای شهری اسلامی است. استفاده از رنگ‌های خاص همچون آبی، سبز و طلایی که در هنر اسلامی به وفور دیده می‌شوند، باعث ایجاد فضایی آرامش‌بخش و معنادار شده است که افراد در آن احساس راحتی و تعلق می‌کنند. این رنگ‌ها به واسطه مفاهیمی که به همراه دارند، مانند ارتباط با آسمان و طبیعت، به فضاهای شهری معنای عمیق‌تری می‌بخشند و باعث می‌شوند که افراد احساس کنند که در محیطی متصل به ارزش‌های فرهنگی و معنوی خود قرار دارند. این امر به‌ویژه در مقایسه با فضاهای شهری مدرن که از رنگ‌های تند و نامتناسب استفاده می‌کنند، نشان‌دهنده اهمیت و تأثیر رنگ‌های اسلامی در تقویت هویت فرهنگی و تعلق به مکان است (Fadli and AlSaeed, 2019).

بحث در مورد تأثیرات یافته‌های این پژوهش بر طراحی شهری و معماری معاصر نشان می‌دهد که استفاده از اصول هنر اسلامی در طراحی شهری می‌تواند راهکاری موثر برای مقابله با چالش‌های ناشی از جهانی‌سازی و تضعیف هویت‌های بومی باشد. در حال حاضر، بسیاری از شهرهای اسلامی با چالش‌هایی همچون ورود الگوهای معماری مدرن و کاهش حس تعلق مکانی در میان ساکنان مواجه هستند. در این شرایط، بازگشت به اصول و الگوهای هنر اسلامی می‌تواند به عنوان راهکاری موثر برای حفظ و تقویت هویت فرهنگی این مناطق در نظر گرفته شود. این اصول می‌توانند به ایجاد فضاهایی کمک کنند که نه تنها زیبا و جذاب باشند بلکه به واسطه مفاهیم معنوی و فرهنگی که در خود جای داده‌اند، به ایجاد حس تعلق و هویت میان افراد کمک کنند (Surchi and Nafa, 2021).

همچنین، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که طراحی شهری بر اساس اصول هنر اسلامی می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی در فضاهای شهری منجر شود. به عنوان مثال، استفاده از عناصر آب، نور و سایه در هنر اسلامی به‌عنوان نمادی از زندگی و آرامش، می‌تواند به ایجاد فضایی دلپذیر و آرامش‌بخش کمک کند که افراد در آن احساس راحتی و امنیت کنند. این عناصر، به‌ویژه در مناطقی که با شرایط آب‌وهوایی خشک و بیابانی روبرو هستند، نقش مهمی در ایجاد محیطی دلپذیر و مناسب برای زندگی ایفا می‌کنند. در مقایسه با فضاهای شهری مدرن که به واسطه استفاده از مصالح صنعتی و طراحی‌های ساده و بی‌روح، نتوانسته‌اند به نیازهای معنوی و روانی افراد پاسخ دهند، فضاهای شهری اسلامی به‌واسطه استفاده از این عناصر توانسته‌اند فضایی معنادار و مناسب برای زندگی ایجاد کنند (Kelkar, 2021).

با توجه به یافته‌های این پژوهش، چندین پیشنهاد برای آینده طراحی شهری بر اساس اصول هنر اسلامی ارائه می‌شود. نخستین پیشنهاد این است که طراحان شهری باید به‌طور جدی به استفاده از الگوهای هندسی و تقارن در طراحی فضاهای عمومی توجه کنند. این الگوها به‌واسطه ایجاد حس نظم و هماهنگی، نه تنها به زیبایی بصری فضا کمک می‌کنند بلکه به تقویت هویت و احساس تعلق به مکان نیز می‌پردازند. به‌ویژه در طراحی مساجد، میدان‌ها و فضاهای عمومی، استفاده از این الگوها می‌تواند به ایجاد فضایی کمک کند که مردم در آن احساس ارتباط و همبستگی بیشتری داشته باشند (Oktay, 2017).

دومین پیشنهاد مربوط به استفاده از رنگ‌های خاص اسلامی در طراحی فضاهای شهری است. رنگ‌ها به‌عنوان یکی از عناصر کلیدی هنر اسلامی، نقش مهمی در ایجاد احساس تعلق و تقویت هویت فرهنگی ایفا می‌کنند. استفاده از رنگ‌های آرامش‌بخش و معنوی مانند آبی و سبز، می‌تواند به ایجاد فضایی دلپذیر و آرامش‌بخش کمک کند که افراد در آن احساس راحتی و تعلق کنند. این رنگ‌ها می‌توانند به‌عنوان راهکاری برای مقابله با محیط‌های شهری بی‌هویت و بی‌روح مدرن مورد استفاده قرار گیرند و به تقویت ارزش‌های فرهنگی و معنوی کمک کنند (Baslouh, 2020).

سومین پیشنهاد این است که طراحان شهری باید به استفاده از نمادها و نشانه‌های فرهنگی در طراحی فضاهای عمومی توجه ویژه‌ای داشته باشند. این نمادها می‌توانند به عنوان ابزاری برای تقویت هویت فرهنگی و ایجاد ارتباط معنوی میان افراد و محیط به کار گرفته شوند. به‌ویژه در مناطقی که با تهدیدات ناشی از جهانی‌سازی مواجه هستند، استفاده از این نمادها می‌تواند به حفظ و تقویت هویت فرهنگی کمک کرده و از زوال ارزش‌های سنتی جلوگیری کند. به عنوان مثال، استفاده از آب‌نماها و باغ‌های ایرانی در طراحی فضاهای عمومی می‌تواند به ایجاد فضایی معنادار و هویت‌بخش کمک کند که افراد در آن احساس تعلق و ارتباط با فرهنگ خود داشته باشند (Fadli and AlSaeed, 2019).

چهارمین پیشنهاد مربوط به ترکیب اصول هنر اسلامی با نیازهای معاصر طراحی شهری است. با توجه به چالش‌هایی که شهرهای اسلامی با آن مواجه هستند، لازم است که اصول هنر اسلامی به گونه‌ای با نیازهای مدرن تلفیق شوند که نه تنها به حفظ هویت فرهنگی کمک کنند بلکه به بهبود کیفیت زندگی در شهرهای معاصر نیز منجر شوند. به عنوان مثال، استفاده از مصالح مدرن در کنار الگوهای سنتی و هنری می‌تواند به ایجاد فضایی کمک کند که هم با نیازهای امروزی سازگار باشد و هم به تقویت هویت و تعلق فرهنگی کمک کند (Surchi and Nafa, 2021).

در نهایت، یکی از پیشنهادات مهم این است که برنامه‌ریزان و طراحان شهری باید به ارزش‌های معنوی و فرهنگی در طراحی فضاهای عمومی توجه ویژه‌ای داشته باشند. اصول هنر اسلامی به‌واسطه تأکید بر ارزش‌های معنوی، می‌تواند به ایجاد فضایی کمک کند که نه تنها به نیازهای فیزیکی افراد پاسخ دهد بلکه به واسطه ایجاد ارتباط معنوی با محیط، به تقویت هویت و تعلق مکانی کمک کند. این امر به‌ویژه در مقابله با تهدیدات ناشی از جهانی‌سازی و تضعیف هویت‌های بومی بسیار اهمیت دارد و می‌تواند به حفظ و تقویت ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در فضاهای شهری کمک کند (Kelkar, 2021).

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اصول هنر اسلامی می‌توانند به عنوان ابزاری قدرتمند برای تقویت هویت و تعلق به مکان در فضاهای شهری مورد استفاده قرار گیرند. این اصول به‌واسطه ایجاد ارتباطی معنوی و عمیق میان فرد و محیط، به تقویت هویت‌های فرهنگی و افزایش احساس تعلق مکانی کمک کرده و به این ترتیب به ایجاد فضایی معنادار و مناسب برای زندگی منجر می‌شوند. با توجه به چالش‌هایی که شهرهای اسلامی با آن‌ها مواجه هستند، استفاده از این اصول می‌تواند به عنوان راهکاری موثر برای حفظ و تقویت هویت فرهنگی و مقابله با تهدیدات ناشی از جهانی‌سازی مورد استفاده قرار گیرد. این پژوهش نشان می‌دهد که طراحی شهری بر اساس اصول هنر اسلامی نه تنها به افزایش کیفیت بصری و جذابیت محیط کمک می‌کند بلکه به تقویت هویت‌های بومی و فرهنگی و ایجاد فضایی معنادار و هویت‌بخش نیز منجر می‌شود.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

خلاصه مبسوط

Extended Abstract

The design of urban spaces serves not only a functional role but also acts as a conduit for cultural expression, identity, and social cohesion. In Islamic cities, urban design shaped by the principles of Islamic art has played a significant role in establishing cultural identity and fostering a sense of place attachment. Islamic art, characterized by structured geometry, specific color schemes, repetitive patterns, and symbolic elements, not only enhances visual aesthetics but also promotes a deeper connection between individuals and their cultural and spiritual values. By examining these design elements, this study explores how the principles of Islamic art contribute to the construction of culturally resonant and identity-rich urban spaces that address both physical and spiritual needs (Baslouh, 2020). The research findings indicate that urban spaces crafted through Islamic art principles foster a distinct sense of place and cultural belonging, which may offer valuable insights for contemporary urban design, particularly in regions experiencing the homogenizing impacts of globalization.

Islamic art has long relied on geometric precision and symmetry to communicate harmony and order, concepts central to Islamic spirituality. These visual principles are embodied in the architectural elements of mosques, gardens, and public spaces, such as the use of ordered geometrical patterns and repeating motifs that convey unity within diversity. The research emphasizes that structured geometry in urban design is not merely aesthetic; it is also deeply symbolic, reflecting a worldview where order and balance are essential. For example, studies demonstrate that the structured geometry in Islamic design, seen in mosques and squares, cultivates a sense of tranquility and cohesiveness, elements that foster social connectivity and a shared identity among residents (Donboli et al., 2017). By integrating these geometric principles, urban spaces achieve a cohesive aesthetic that strengthens social bonds and reinforces cultural values.

Color also plays a transformative role in Islamic art and, by extension, in the design of public spaces. Traditionally, Islamic architecture employs colors like blue, green, and gold, each carrying cultural and spiritual symbolism. Blue, for instance, often represents the heavens, peace, and boundlessness, while green is associated with life, nature, and Islam itself. In designing spaces with these colors, Islamic architecture creates a sense of calm and reflection, allowing individuals to connect emotionally and spiritually with the environment (Fadli and AlSaeed, 2019). This color scheme, integrated thoughtfully into urban designs, contrasts sharply with the sterile and monochromatic styles often seen in modern cityscapes, especially those influenced by

industrial design standards. The use of Islamic color schemes in urban spaces contributes significantly to place attachment by evoking cultural familiarity and creating a visual continuity with traditional Islamic architectural heritage. Such designs resonate with the community's shared values, encouraging a sense of identity that is intricately tied to cultural history.

Repetitive patterns, another hallmark of Islamic art, reinforce stability and continuity in public spaces, enhancing individuals' place attachment. In Islamic art, repetitive motifs often symbolize the concept of infinite creation, representing a continuous connection between the earthly and the divine. By incorporating these patterns into urban design, cities can create environments that feel inherently stable and cohesive. For instance, the recurring geometric designs found in Islamic public spaces communicate a sense of timelessness and continuity, evoking cultural memory and identity. Studies indicate that repetitive patterns in Islamic art, commonly applied to decorative surfaces like tiles, pavements, and facades, create visual cohesion that enhances people's sense of place (Kelkar, 2021). Unlike modern urban designs that may favor eclectic and varied styles, the repetitive patterns in Islamic urban spaces provide a stable aesthetic anchor that fosters a sense of community and cultural identity. Through these design choices, urban spaces become living representations of a shared cultural legacy, encouraging residents to see themselves as part of a continuous historical and cultural narrative.

Symbols are equally significant in establishing place attachment and cultural identity within Islamic urban spaces. Architectural features such as arches, water features, and open courtyards serve both functional and symbolic roles, enhancing the spiritual experience of the space. The integration of water elements, for instance, symbolizes purity, life, and the Islamic concept of paradise, creating serene and welcoming public spaces. These elements, in conjunction with structured geometry and repetitive patterns, contribute to creating a spiritual ambiance, transforming public spaces into sanctuaries of cultural and spiritual reflection (Oktay, 2017). Symbolic elements in Islamic architecture not only beautify public spaces but also embed profound cultural meanings, making these spaces resonate with the identity and beliefs of their users. As a result, Islamic urban design fosters a sense of attachment by creating spaces that are not merely functional but are also imbued with cultural significance, encouraging people to feel deeply connected to their surroundings.

In contrast to these culturally integrated approaches, contemporary urban design often prioritizes functionality, efficiency, and economy, sometimes at the expense of cultural expression and community belonging. The shift towards industrialized, global architectural styles has led to the development of uniform and impersonal spaces that struggle to foster place attachment. In response, the findings of this study suggest that revisiting Islamic art principles in urban design can offer a balanced approach to creating culturally meaningful spaces. By embracing Islamic principles, modern urban design can address both the practical needs of a growing population and the cultural and spiritual needs of a community. For example, integrating geometry, symbolic color schemes, and repetitive patterns into contemporary designs could mitigate some of the isolating effects associated with modern cityscapes, transforming them into spaces that resonate more deeply with the cultural identity of their users (Surchi and Nafa, 2021).

In conclusion, this research underscores the importance of Islamic art principles in shaping urban spaces that are culturally expressive and identity-rich. The structured use of geometry, color, patterns, and symbols not only beautifies spaces but also promotes a sense of continuity with the past, linking present-day urban environments with historical and cultural heritage. By creating spaces that satisfy both the physical and spiritual needs of their inhabitants, Islamic-inspired urban designs can help cities navigate the challenges posed by globalization, preserving cultural identity and strengthening community bonds. This study encourages future urban design practices to integrate the principles of Islamic art to foster a deeper sense of place attachment and cultural continuity. This approach aligns with a growing recognition that urban spaces must go beyond mere functionality to serve as sites of cultural expression and community cohesion.

References

- BASLOUH, S. 2020. Latency, Light, and Void: Key Concepts in Contemporary Islamic Art.
- BOLKANER, M. K., İNANÇOĞLU, S. & ASILSOY, B. 2019. A Study on Urban Furniture: Nicosia Old City. *European Journal of Sustainable Development*, 8, 1.
- DONBOLI, S., SAFARI, A. A. & ABAD, H. K. K. 2017. Components of the City's Physical Identity: A Review of Iranian Cities. *Current World Environment*, 12, 237-249.
- FADLI, F. & ALSAEED, M. 2019. A Holistic Overview of Qatar's (Built) Cultural Heritage; Towards an Integrated Sustainable Conservation Strategy. *Sustainability*, 11, 2277.
- KELKAR, A. 2021. Relationship Between People and Urban Places.
- OKTAY, D. 2017. Editorial: Urban Identity Versus Globalisation. *Proceedings of the Institution of Civil Engineers - Urban Design and Planning*, 170, 187-188.
- PERKOVA, M., CHECHEL, I., DUBINO, A. & CHECHEL, I. 2021. Reconstruction With Using a Comprehensive Assessment. *E3s Web of Conferences*, 281, 02025.
- POURZAKARYA, M. & BAHRAMJERDI, S. F. N. 2022. Reviewing the Role of Cultural and Creative Industries in Developing an Urban Cultural Policy Platform in Rasht City, Iran. *Journal of Place Management and Development*, 16, 145-162.
- SURCHI, Z. & NAFA, H. 2021. Appraisal of Place Identity Through Tangible Elements of Cultural Features in Erbil City. *Civil Engineering and Architecture*, 9, 2528-2541.